

زائر هند

نقد و شناخت صائب، بیدل
و دیگر نازک خیالان سبک هندی

دکتر عبدالحسین زرین کوب

بیت سرسبز و پژوهش

دکتر محمد علی شاه



پرنیان خیال

تهران ۱۳۹۸

سرشناسه: زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۰۱ - ۱۳۷۸. Zarrinkub, Abd-ul Hossein
 عنوان و نام پدیدآور: زائر هند: نقد و شناخت صائب، بیدل و دیگر نازک خیالان سبک هندی / عبدالحسین زرین کوب؛
 به کوشش و پژوهش محمدعلی شیوا.
 شناسه افزوده: شیخ الاسلامی، محمدعلی، ۱۳۴۹ - گردآورنده
 مشخصات نشر: تهران: پر نیان خیال، ۱۳۹۷. مشخصات ظاهری: ۲۳۷ ص.
 فروست: سری ادبیات سبک هندی: ۰۴. نقد و بررسی سبک هندی: ۰۲. صائب شناسی: ۰۱.
 شابک: ۳-۳-۹۷۸۱۱-۶۰۰-۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۳۱-۲۳۶؛ همچنین به صورت زیر نویس. یادداشت: نمایه.
 موضوع: صائب، محمدعلی، ۱۰۱۶-؟ - نقد و تفسیر Sa'eb, Mohammad Ali -- Criticism
 موضوع: بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق، ۱۰۵۴-۱۱۳۳ ق. - نقد و تفسیر
 موضوع: ساعیان ایرانی - قرن ۱۱ ق. - نقد و تفسیر
 موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۱ ق. - تاریخ و نقد - مقاله‌ها و خطابه‌ها
 موضوع: سبک هندی (Indian style) Persian poetry
 موضوع: Persian poetry - History and criticism - Addresses, essays, lectures
 موضوع: ایران - شعر - تاریخ - عصران، ۹۰۷-۱۱۴۸ ق.
 موضوع: Safavids - History - Poetry - 1736-1502 Iran
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۷/۴۰۲/۲۳۳۹
 رده بندی دیویی: ۸۱۴/۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۲۹۰۳۴

انتشارات پر نیان خیال

تهران، فلکه دوم صادقیه، پلاک ۱۹
 تلفن: ۴۴۹۵۴۹۸۲ - ۰۳۰۶۶۱۲۳۰
www.parneyankheyal.com
info@parneyankheyal.com

زائر هند

دکتر عبدالحسین زرین کوب

به کوشش و پژوهش: دکتر محمدعلی شیوا

چاپ: نسیم

چاپ اول / ۱۳۹۸ - ۲۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۳-۳-۹۷۸۱۱-۶۰۰-۹۷۸
 ISBN: 978-600-97811-3-3

شماره کتاب: ۲۳

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

فهرست

سخن آغاز

۷

۱۱

- مختصری از زندگی نامه‌ی استاد زرین کوب

۱۲

- زرین کوب و نقد ادبی

۱۷

- زرین کوب و سبک هندی

۲۳

شعر و ادب در عصر صفویه

۲۶

- مروج بر اوضاع اجتماعی فرهنگی عصر صفویه

۲۹

- مشاهده سماه شاعر در عصر صفوی

شیخ بهایی، ۱۹، ماماد، ۲۹، ملاصدرا، ۳۳، فیاض لاهیجی، ۳۵، فیض کاشانی، ۳۶،

میرفندرسکی، ۳۸

۴۰

- هند، سرزمین فرصت‌ها

۴۲

- شاعران ایرانی دربار بابر و حسن

عرفی شیرازی، ۴۲، نظیری پیشابوری، ۴۳، طالب آملی، ۴۴، قدسی مشهدی، ۴۶،

کلیم کاشانی، ۴۷، نوعی خبوشانی، ۴۸، صفی باصفهانی، ۴۹، حیاتی گیلانی، ۴۹، مرشد

بروجردی، ۵۰، سرمد کاشی، ۵۰

۵۱

- علل مهاجرت شاعران به هند

۵۳

- شاعران فارسی گوی هند

فیض دکنی، ۵۳، چندربهان برهمن، ۵۵، غنی کشمیری، ۵۵، غنی کجگاهی، ۵۷، ناصر علی

سرهندي، ۵۸، بیدل دهلوی، ۵۹

۶۰

- شعر و شاعران در دربار صفوی

۶۵

- شاعران ایرانی عصر صفوی

هلالی جغتایی، ۶۵، اهلی شیرازی، ۶۵، امیدی رازی، ۶۶، ضمیری اصفهانی، ۶۸، وحشی

بافقی، ۷۰، محتشم کاشانی، ۷۲، زلالی خوانساری، ۷۳، شفایی اصفهانی، ۷۴، شاپور

طهرانی، ۷۵، اسیر شهرستانی، ۷۵، مسیح کاشی، ۷۶، صائب تبریزی، ۷۸

۷۹	- ویژگی‌های سبک هندی
۹۱	نقد ادبی در سبک هندی
۱۱۱	جهان صائب، دریچه‌یی به جهان بینی او
۱۴۵	زائر هند
۱۵۹	بیدل، شاعر اندیشه‌ها

ضمیمه:

۱۷۳	ویژگی‌ها و منشأ پیدایش سبک مشهور به هندی در سیر تحول
۲۱۱	شعر فارسی (ز. ن. یاد دکتر قمر آریان)
۲۲۳	فهرست احکام
۲۳۱	فهرست کتب و رسالات
	منابع و مآخذ

سخن آغاز

شعر فارسی پس از قرن‌ها تکاپو و تجربه، در عهد صفوی به اوج ترقی خویش دست یافت. این سخن، با تمام تحکم و اعتمادی که در آن هست، بی تردید، مورد پذیرش بسیاری از ادیبان و سخن‌سنان نبوده و نیست؛ سهل است بسیاری را رأی بر اطلاق عنوان انحطاط ادبی به این دوری پرشوه از شعر فارسی است و شوربختانه این بسیار، به واقع بسیار بوده و هست؛ اما بسیاری هر چند دلالت بر حقانیت نمی‌کند.

سبک عهد صفوی که اندر قیام سبک هندی بر آن گاه موجبات کج‌فهمی کسانی را فراهم آورده، از ابتدای پیدایش مورد نقد و عموماً سرزنش ادیبان رسمی بوده و از همان ابتدا نیز همچون هر سبک نوظهوری، بخش زیادی از انزری شاعران را در جهت احقاق حق خود مصروف کرده است. البته نقد ادبی به معنای حقیقی‌اش در عهد صفوی در ایران از جایگاه ویژه‌یی برخوردار نبود. شاید نقدهای حضوری در قهوه‌خانه‌ها یا در حضور شاهان صفوی و دخل‌های بجا یا نابجای حاضران عوام یا خواص را بنابر نوعی نقد ادبی رایج در آن عهد دانست. اما نقد مدون جز در قالب تذکرها و هنگام معرفی شاعران، کمتر مجال ظهور یافته است. کسانی چون حکیم شفقایی که صائب او را «نبض‌شناس سخن» می‌نامد و گویا او را در سخن‌سنجی شخصی قابل می‌دانسته، هیچ‌گاه در پی تدوین نقدهای مدون نبوده‌اند.

برعکس در هندوستان، هم سرایش شعر به طرز تازه رواج بیشتری داشته و هم نقد ادبی به معنای اخص کلمه. در هند نیز اساس تدوین نقد در قالب تذکرها بوده اما از میان ایشان می‌توان به منتقدان جدی‌تری نیز توجه ویژه داشت. به عنوان نمونه می‌توان از کسانی چون منیر لاهوری (۱۰۱۹-۱۰۵۴ق) و شیدا فتحپوری (ف ۱۰۴۲ق) که در میان منتقدان سبک هندی در قرن یازده و دوازده، دو تن از معروف‌ترین مخالفان این سبک بوده‌اند، سخن به میان آورد.

در واقع آغاز «بازگشت» از سبک هندی رانه در دوران زندیه و توسط انجمن مشتاق اصفهانی، بلکه می‌توان به ابراز نظرات کسانی چون این دو منتقد منسوب دانست. جالب آن که این دو یکدیگر را نیز هجومی گفتند. (نقد ادبی در سبک هندی ص ۳۱۳). منیر تلاش می‌کرد که تا شعر را از مسیری که به زعم او دچار نوعی غموض و پیچیدگی شده است، بازگرداند. او همچنین شاعران این طرز را به توجه بیش از حد به لفظ و تلاش در جهت رنگین کردن آن متهم می‌کرد و بر این باور بود که این کار به نوعی ریختن خون معنی است. باری، رضوع نقد ادبی در عصر صفویه و همزمان با آن در عهد بابریان هند، مبحث درازدامن است که در این مقدمه نمی‌گنجد. تنها باید توجه داشت که منیر و شیدا در نیمه‌ی اول قرن یازدهم یعنی درست همزمان با بالندگی شاعرانی چون صائب و کلیم می‌زیستند.

این انتقادات ادامه یات در قرن دوازده توسط کسانی چون حزین لاهیجی به ساحت‌های دیگر نقد گسترش پیدا کرد. راسو، دیگر، منتقدانی در پاسخ به انتقادهای تند حزین نسبت به شعر طرز تازه، بخصوص نسبت به جرات‌انامی که در هند آن زمان جاری بود، او را مورد هجمه‌ی همه‌جانبه‌ی خود قرار دادند. نمونه‌ی مدون چنین هجمه‌هایی کتاب تنبیه‌الغافلین اثر سراج‌الدین علیخان آرزو (۱۰۹۹ - ۱۱۶۹) است.

شاهان دربارهای صفوی و باری نیز خود را امر نقد شاعران صاحب‌نظر می‌دانستند. نمونه‌های فراوانی از چنین نقدها و «دخل»‌ها در تذکره‌ها و حواشی دارد. نصرآبادی با اشاره به نکته‌سنجی‌های شاه عباس، تصریح می‌کند که شاه علیرغم بزرگداشت، به قدرت ادراک، در شعر و نثر شعرا و نویسندگان، تصرف می‌کرد و می‌نویسد:

اگرچه آن پادشاه کار آگاه، کم‌متوجه خواندن و نوشتن شده بود اما به قدرت ادراک در نظم و نثر تصرفاتی می‌نمود که فصحا و بلغا در آن حیران بودند و همچنین استادان اهل حرفه که در خدمت بودند، با وجود اینکه هریک وحید عصر بودند، باز شاگردان تصرفات اویند.... شاعران خود نیز در امر نقد ادبی شرکت می‌جستند و کار تا بدانجا رسیده بود که شعر شاعران این عصر مشحون از عبارات و ترکیبات تخصصی نقد ادبی شده است؛ به عنوان مثال، صائب به واسطه‌ی مناعت طبع و عزت نفسی که داشته است، بیش از دیگران به ارزش نقد و ناقدان و سخن‌سنجان واقف و بدان معترف است و گاه حتی بهره‌ی ناقدان را از گوهر سخن

بیش از سخنوران یا شاعران می داند و به خویش و شاعران همه‌ی اعصار پند می دهد که از نقد ناقدان روی نگردانند:

از دخل رو متاب که انگشت اعتراض
در صافی کلام به سوهان برابر است
غرض آنکه شعر سبک هندی از همان ابتدا در معرض نگاه تیزبین نقادان قرار داشته و چنین نبوده که همچون نهالی خودرو، سرکشی کند و به هر سو که خواهد بتازد. به نظر می رسد همه‌ی تحولاتی که در شعر عصر صفوی نسبت به سبک های پیش از خود رخ داده، به نوعی حاصل تأثیر متقابل عواملی چون گرایش شعرا، اقبال مخاطب عام و خاص، نظرات موافق و مخالف منتقدان و یک خواست همگانی برای ظهور و بلوغ طرزی بود که آن را «طرز تازه» می نامیدند.

با همه‌ی این احوال در ایران، عهد صفوی در ایران مخالفت جدی با این طرز نوین فزونی گرفت. طرز تازه منتقدان جدی می پدید پیدا کرد که در شعر شاعران همروزگار خود نگرسته و آن را خالی از هر گونه عاقلانه اندیشه و حتی بازی های صوری و زبانی قابل اعتنا می دیدند. لذا انتقادهای گسترده، آشکار و نهان قوت گرفت و این امر پس از سقوط صفویه و بخصوص در دوران زندیه موجبات فراسم این شرایطی برای عدول از این طرز و بازگشت به سبک های سنتی و قدیم گردید.

هجمه های انجمن مشتاق و بخصوص آذر بیگدلی، در تذکره‌ی معروفش به نام آتشکده نسبت به شاعران سبک هندی تأثیر بی تردیدی در تسریع این بازگشت داشته است. شوربختانه در این میان، مخاطب همه‌ی نقدهای بجای و نابجای این ستاندین، صائب بود؛ که او را بانی و مبدع طریقه‌ی جدیدی ناپسندیده می دانستند. ناگفته نماند که این تلاش برای پیشگیری از انحطاط مفروضه‌ی سبک هندی، تنها و تنها با خلق آثاری رسمند می توانست نتایج ارجمندی در اعتلای ادب فارسی داشته باشد، اما دریغ از یک اثر قابل اعتنا که بتواند دوره‌ی بازگشت را در رسیدن به منویات پیشگامانش کامیاب کند.

این هجمه ها نسبت به سبک شریف موسوم به هندی، در دوره های بعد تا اواخر دوران قاجار و حتی ابتدای دوران پهلوی ادامه یافت و منتقدان بی آنکه به دنبال نقدی روشمند باشند، هریک به تکرار آراء پیشینیان بسنده می کردند.

از آخرین منتقدان جدی سبک هندی می توان به علامه محمد قزوینی و ملک الشعرای

بهار اشاره کرد که سخن این ادیبان و محققان یگانه نیز به طور بی سابقه‌ی فاقد روشمندی عالمانه و محققانه‌ی مورد انتظار است.

باری، از ابتدای قرن حاضر انتقاد منتقدین شکل ملایم‌تری به خود گرفت و حتی نوعی رویکرد آمیخته به تحسین و سازگاری در میان سخن‌سنجان و ادیبان دیده می‌شود. این مسئله به‌خصوص درباره‌ی صائب که حقیقت شعر و اندیشه‌اش بیش از یک قرن در محاق کج‌فهمی، حسادت‌ها و دشمنی‌های بی‌مورد پنهان شده بود، صدق می‌کند. توجه و تمجید شاعر مدرنی چون نیمایری سیج از سبک هندی و بخصوص صائب (اخوان صائب و سبک هندی، فصل نخست) و شهر طرفدارانی چون دکتر ناتل خانلری از میان ادیبان رسمی و شاعران و پژوهشگرانی چون "بابدین مؤتمن، امیری فیروز کوهی، احمد گلچین معانی، محمد قهرمان، احسان یار شاطر، کائنات ناصری و دیگران و دیگران موجب شد که سبک شریف هندی دوباره مورد توجه ادیبان و حتی مخاطبان عادی شعر قرار بگیرد.

در میان این ادیبان و منتقدان نام دسر عبدالحسین زرین کوب که با قید ملاحظاتی او را می‌توان پدر نقد نوین ایران دانست، چون گوهری تابناک می‌درخشد. در میان ادیبان رسمی معاصر کمتر کسی را می‌توان یافت که همچون زرین کوب در عین آشنایی گسترده با مبانی نقد نوین، آگاهی عمیق و فراگیری نسبت به تیره‌های ادب فارسی و طرح تکامل و ترقی شعر داشته باشد. دکتر زرین کوب به شهادت آثارش بطایرش در باره‌ی تاریخ و ادبیات فارسی، یکی از قابل اعتمادترین افراد در نقد روشمند سبک هندی است و دانستن آرا و اندیشه‌های ایشان در موافقت یا مخالفت با این سبک و شاعران عراز اولش می‌تواند فصل الخطاب بسیاری از مناقشات بیهوده باشد.

دکتر زرین کوب البته تألیف مستقلی در باب سبک هندی ندارد؛ چنان که درباره‌ی سایر دوره‌های ادبی ایران؛ با این حال در میان آثار به‌جامانده از ایشان می‌توان به مطالب قابل اعتنا و اعتماد بسیاری برخورد که شایستگی برجسته ساختن و نمایاندن دوباره و چندین باره دارد؛ یعنی درست همان امری که کتاب پیش‌رو، رسالت و اهتمام خود را بر آن بنانهاده است.
